



انگشتر بابا

حیف است که کوتاه است
این شادی یک روزه
اندازه‌ی دستم نیست
انگشتر فیروزه

خندید به من بابا
من مرد شدم دیگر
بابا شده‌ام الان
با بودن انگشتر

آرام درآوردم
انگشتر بابا را
انگشتر سبزش شد
مال خود من حالا

